

تحلیل جامعه شناختی - سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران

عبدالعزیز مولودی

چاپ شده در " فصلنامه رافه"، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران (سال اول شماره ۲) بهار ۱۸۲۱، ص ۱۶۱- ۱۷۱.

اشاره:

مقاله حاضر برگرفته از متن پایان نامه فوق لیسانس علوم سیاسی آقای عبدالعزیز مولودی (روزنامه نگار و منتقد سیاسی) به عنوان «تحلیل جامعه شناختی - سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران» است که سال ۱۳۷۳ در دانشگاه تربیت مدرس تهران، از آن دفاع نموده است. (فصلنامه رافه)

مقدمه:

تحلیل جامعه شناختی - سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران، عنوان پایان نامه فوق لیسانس علوم سیاسی است که آن را زیر نظر اساتید بزرگوارم، آقایان دکتر چنگیز پهلوان (استاد راهنما)، دکتر احمد نقیب زاده (استاد مشاور) و دکتر جلیل روشندل (استاد ناظر) در دانشگاه تربیت مدرس تهیه و تألیف کرده ام.

کار مقدماتی آن از سال ۱۳۷۱ شروع و در شهریورماه ۱۳۷۳ از آن دفاع کرده ام. با توجه به اینکه موضوع آن در نوع خود بی سابقه بود و مستقیماً با یکی از مسایل مهم کشور یعنی بحران کردستان ارتباط داشت، از یک سو کار بااهمیتی از نظر پژوهشی تلقی می گردید و از سوی دیگر سخت و پرهزینه بود. علت آن هم فضای سیاسی محدود و بسته کشور در آن سالها بود. شاید به همین علت بود

که بیشتر دانشجویان این رشته رساله‌های خود را پیرامون موضوعاتی که در حوزه جامعه‌شناسی ایران واقع می‌شد، نمی‌گذراندند و به موضوعاتی چون سیاست خارجی کشورهای دیگر، روابط بین‌المللی و یا اندیشه سیاسی که چندان با موضوعات و مسایل کشور ارتباط نداشت مشغول می‌شدند.

از آنجا که بحران کردستان را مسئله مشترک دولت جمهوری اسلامی، خودم (به عنوان یک شهروند کرد ایرانی) و مردم ایران و کرد تلقی می‌کردم و هنوز نیز بر این باورم، تصمیم گرفتم که در این زمینه رساله خود را تهیه نمایم.

در کلاس جامعه‌شناسی سیاسی استاد دکتر پهلوان، پیرامون جنبش اجتماعی کردها، سمیناری ارائه نمودم که زمینه‌ساز همکاری استاد دکتر پهلوان با اینجانب در نگارش رساله‌ام شد و حاصل کار تهیه طرح اولیه با عنوان تحلیل جامعه‌شناختی - سیاسی حزب دمکرات کردستان، به تصویب گروه علوم سیاسی و ریاست دانشکده علوم انسانی آقای دکتر احمد احمدی رسید.

به دلیل حساسیت کار و سنگینی فضای آن دوران، سعی بر آن داشتم تا با رعایت موازین علمی پژوهش، صرفاً بر واقعیتهای گذشته و حال تکیه کنم و با نگاه انتقادی به بررسی آنها پردازم. مشکلات اجرایی کار را نیز مد نظر داشتم، به همین دلیل هنگامی که برخی از دستگاههای اجرایی در منطقه علی‌رغم معرفی‌نامه‌های دانشگاه، محرمانه و طبقه بندی بودن برخی از اطلاعات تاریخی را دلیل عدم همکاری خود عنوان نمودند؛ چندان مایه تأسف من نبود اما مشکل به اینجا ختم نشد و مشکلات اصلی بعد از فراغت از تحصیل هویدا شدند.

برخی از آن مشکلات را می‌توان در لغو تعهد خدمتی، عدم گزینش برای استخدام در آموزش و پرورش و هر جای دیگر، بی‌پاسخ ماندن اعتراضات مکرر، رد صلاحیت برای داوطلبی نمایندگی مجلس در حوزه انتخابیه مهاباد در مجلس ششم و به طور کلی ایجاد محرومیت اجتماعی غیر رسمی و پنهانی دید که به دنبال هم برایم به وجود آوردند. لازم به تذکر است که بیان این مسایل از باب بیان

مشکلات مربوط به پژوهش در ایران است که از جمله موانع توسعه علمی نیز به شمار می‌رود. در هر حال علی‌رغم مشکلات نامبرده، به دلیل اعتقاد به اینکه بدون انجام پژوهش‌های علمی بر اساس واقعیت‌های موجود جامعه، نه تنها امکان حل مشکلات کشور فراهم نمی‌شود، بلکه آنها را بغرنج‌تر می‌نماید. اینک در پیشگاه مردم ایران و مخصوصاً مردم کرد که به گونه‌ای خود را مدیون آنها می‌دانم، خرسندم که قدم صادقانه‌ای را در راستای بحث، تبیین و نقد یکی از مسایل مهم منطقه برداشته‌ام. آنچه در این مقاله از نظر خوانندگان می‌گذرد برداشتی کلی از متن پایان‌نامه مذکور است. بدیهی است فضای آن دربردارنده تحولات روی داده در منطقه و کشور تا سال ۱۳۷۲ است و اگر مجالی برای چاپ آن فراهم شود، نیازمند تجدید نظر و به روز شدن خواهد بود.

طرح مسأله

بحران کردستان ۱، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی از جمله مسایل مهم کشور بود که علی‌رغم فروکش کردن ظاهری آن، به شیوه‌های مختلف آثار و نتایج آن هنوز پابرجاست. برای حل هر مشکل، قدم اول، شناخت و برخورد سنجیده با آن است. از آنجا که ایجاد مشکلات یا مسایل اجتماعی - سیاسی عوامل و دلایل مختلف مؤثرند، از زوایای مختلف می‌توان به شناخت مسئله پرداخت. شناخت جریانات و احزاب سیاسی مؤثر در کردستان، یکی از زاویه‌های دید در این زمینه است که اهمیت بیشتری نسبت به سایر زمینه‌ها دارد. به همین دلیل نقطه ثقل این تحقیق، توجه به نقش حزب دمکرات کردستان ایران در جنبش اجتماعی کردهای ایران در دوران معاصر است. چرا که به نظر می‌رسد این حزب بیشتر از سایر احزاب تأثیرگذار بوده است.

پیش فرضهای اساسی تحقیق عبارتند از اینکه:

- هر جنبش اجتماعی در یک مرحله از زندگی خود احزاب و نهادهایی را برای بیان خواسته‌های

خود به وجود می‌آورد.

- حزب (یا احزاب) می‌تواند رهبری جنبش را بر عهده گرفته، پیش ببرد.

- میزان موفقیت حزب در ارتباط با جنبش، بستگی به میزان تطبیق حزب با خواسته‌ها و

آرمانهای جنبش دارد.

در این راستا، سؤالی که مطرح می‌گردد این است که حزب دمکرات تا چه اندازه بیان سیاسی

جامعه و مردم کرد در ایران بوده است؟

پاسخ به این پرسش وقتی اهمیت می‌یابد که این واقعیت را مد نظر داشته باشیم که این حزب

ضمن داشتن تأثیر در جریان‌های منطقه، با وجود اینکه دوره‌های متناوب ضعف و قدرت را پشت سر

گذاشته است، توانسته است به حیات خود ادامه دهد و تأثیر گذار باشد.

اهمیت بیشتر این قضیه وقتی قابل درک است که رابطه احزاب سیاسی (ملی و محلی) را با

دولت ایران از نظر تاریخ مرور کرده و بدانیم که مشکلات اساسی جامعه و دولت ایران در این زمینه

عبارت است از: عدم استفاده از فرصتهای محدود به دست آمده برای تمرین و تثبیت دمکراسی در

کشور. در فرصتهای محدودی هم که برای فعالیت سیاسی در تاریخ معاصر ایران، به وجود آمده است،

از یک سو به دلیل شخصی بودن قدرت سیاسی در ایران، دولت وجود احزاب را به طور کلی تحمل

نموده است، و از سوی دیگر احزاب هم از در مخالفت کلی با دولت درآمده و با سرگرم شدن به

جنگهای داخلی در ارتباط با سایر احزاب، نتوانسته‌اند جایگاه فراگیری در جامعه برای تأثیرگذاری بر

رفتار مردم ایجاد نمایند. بنابراین هیچ رابطه منطقی مبنی بر محیط دمکراتیک، تساهل و همدلی

گروههای سیاسی و دولت در عرصه رقابتهای سیاسی در کشور وجود نداشته و دمکراسی در ایران، با

چالش جدی روبرو شده است.

۱ - منظور از کردستان، همه مناطق و شهرهای کردنشین شمال غرب کشور است.

زمینه‌های پیدایش

الف - جنبش‌های محلی در کردستان ایران

در ایران اغلب بر همبستگی نژادی و تاریخی کردها و ایرانیان تأکید می‌شود. اما این پیوند هرگز مانع بروز برخی بحرانهای اجتماعی و سیاسی میان کردها و حکومت مرکزی نشده است. در سالهای آغازین قرن بیستم میلادی، شاهد وقوع برخی شورشها و بحرانها در مناطق کردنشین هستیم. از آن جمله اسماعیل آقا سمکو، سالارالدوله قاجار، ملا خلیل، محمد رشید خان بانه. اغلب این حرکتهای تا قبل از جنگ جهانی دوم (شهریور ۱۳۲۰) دارای ویژگی مشترکی اند که عبارت است از محدود بودن و عدم سازماندهی آنها. در واقع بیشتر شورشی موقت در اعتراض به عملکرد دولت مرکزی و کارگزاران محلی آنها بودند و همه آنها فاقد اهداف تعیین شده و منسجم بودند. رهبر این حرکات را اکثراً رؤسای عشایر منطقه، رهبران مذهبی و اربابان محلی که مخالف هر گونه قدرت دولتی بودند تشکیل می‌دادند، که اکثر اوقات با کشته شدن رؤسای عشایر و یا رهبران مذهبی، حرکتهای آنها به کلی از بین می‌رفت، یا اینکه چون میدان تفکر و اندیشه آنها کوچک و سطحی بود، زود گرفتار می‌شدند و بالاخره وقتی حرکت در جهت اهداف و خواسته‌های فردی آنها پیش نمی‌رفت، دست از جنبش برمی‌داشتند و آن را با شکست مواجه می‌کردند.

اما حوادث سالهای ۱۳۲۰ که در نتیجه آن ایران طی جنگ جهانی دوم به اشغال متفقین درآمد، بود، موقعیتی به وجود آورد که به روند مسایل جاری در کردستان سرعت و ماهیت دیگری بخشید. علیرغم استقرار نیروهای متفقین در منطقه، مهاباد و اطراف آن در امتداد بوکان تا سقز در وضعیت خاصی قرار گرفت. به این معنی که هیچیک از نیروهای متفقین در آنجا حضور نداشتند. سابقه وجود حرکات محلی از یک سو و خلأ ایجاد شده در منطقه دو عامل مؤثر در ایجاد اولین سازمان نیرومند

سیاسی کردی به نام جمعیت احیای کرد (ژ.ک) در منطقه مهاباد در مرداد ۱۳۲۱ بود.

تأسیس جمعیت احیای کرد توسط چندین تن از مردم مهاباد یک حرکت مستقل تلقی می‌شد که مصادف با ایجاد فرقه دمکرات آذربایجان در تبریز و با حمایت شوروی و نهایتاً تأسیس جمهوری خودمختار آذربایجان به رهبری پیشه‌وری بود.

ب - نگاهی به جنبش چپ و تأثیر آن بر شکل‌گیری حزب دمکرات کردستان

فعالیت‌های مارکسیستی در ایران، قبل از تشکیل حزب کمونیست آغاز شده است. انجمن‌های غیبی اجتماعیون - عامیون، هرچند به معنای واقعی مارکسیست نبودند اما مقدمه‌ای برای تشکیل حزب کمونیست شدند. در سال ۱۳۱۶ با اوج‌گیری مبارزه رضاشاه علیه مارکسیست‌ها، فعالیت‌های حزب با دستگیری گروه موسوم به ۵۳ نفر در دوره رضاشاه به پایان رسید.

اما با جنگ جهانی و اشغال ایران و استعفای رضاشاه در شهریورماه ۱۳۲۰، باقیمانده این گروه آزاد شده و هسته اولیه حزب توده را در مهرماه ۱۳۲۰ فراهم آوردند.

در چهارچوب رقابت ایدئولوژیک سوسیالیسم با سرمایه‌داری و بر مبنای تصمیم‌گیری مشترک کمونیست‌ها در کمیترن مبنی بر ایجاد احزاب سوسیالیستی؛ پوشش ملی در کشورهای جهان سوم و برای ضربه زدن به منافع نظام سرمایه‌داری در حلقه‌های ضعیف‌تر آن و حمایت از شوروی، حزب توده تشکیل گردید. پس از آنکه معلوم شد بعد از پایان جنگ، شوروی قصد خروج از ایران را ندارد و به دنبال دریافت امتیازهای نفتی است، برای اعمال فشار بیشتر به ایران، با صلاح‌دید شوروی و با رهبری پیشه‌وری فرقه دمکرات آذربایجان تشکیل و رسماً جمهوری خودمختار آذربایجان در تبریز آغاز به کار کرد.

شوروی در نظر داشت که در کردستان نیز نفوذ کرده، همزاد فرقه دمکرات را در آنجا به وجود

آورد. آنها از ترکیب جمعیت احیای کرد راضی نبودند، زیرا جمعیت به صورت مخفی و زیرزمینی عمل

می‌کرد؛ بر ناسیونالیزم کردی تأکید داشت، جو حاکم بر آن مذهبی بود و عملاً فعالیت نظامی را در برنامه‌های خود گنجانده بود.

تا اواخر سال ۱۳۲۳ شمسی، شوروی توانست در جمعیت نفوذ پیدا کرده، زمینه را برای تغییر کلی آن فراهم نماید. علاوه بر آن دو بار شخصیت‌های سرشناس کرد در فاصله سالهای ۱۳۲۰ - ۱۳۲۴ برای سفر به باکو دعوت شدند و در هر بار سعی می‌شد نظر مهمانان کرد (مخصوصاً قاضی محمد که سرپرستی آنها را بر عهده داشت) را به این مسئله جلب نماید که شوروی علاقه دارد کردستان به آذربایجان بزرگ بیشتر نزدیک باشد. به نظر می‌رسد هدف، بیشتر استفاده ابزاری از کردها برای اعمال فشار بر دولت ایران بوده تا تأمین خواسته‌های مردم کرد. در هر صورت یکی از نتایج این سفرها تغییر نام جمعیت احیای کرد به حزب دمکرات کردستان بود.

پیدایش حزب دمکرات کردستان

قاضی محمد که در ظاهر تنها عضو مهم جمعیت بود که به کمیته مرکزی و رهبری جمعیت راه پیدا نکرده بود، اما در عمل هدایت و رهبری جمعیت تحت تأثیر نفوذ او واقع شده بود، بعد از بازگشت از سفر دوم در روز ۲۵ مرداد ۱۳۲۴ (۱۶ اوت ۱۹۴۵) در اجتماع اعضای جمعیت پیشنهاد می‌کند که حرکت جمعیت که تا حال به صورت مخفی بوده است، آشکار گردد و تحت عنوان حزب دمکرات کردستان شناخته شود. بدین ترتیب حزب موجودیت یافت و برنامه خود را در قالب مواد هشتمگانه‌ای منتشر کرد که عبارت بودند از:

- ملت کرد در داخل ایران در اداره امور خود آزاد و خودمختار باشد و در حدود ایران، خودمختاری ملت کرد را عهده‌دار گردد.

- زبان کردی به رسمیت شناخته شود و کرد با زبان مادری خود بتواند تحصیل کند.

- انجمن ولایتی کردستان طبق قانون اساسی ایران به فوریت انتخاب شده و در تمام کارهای

اجتماعی و دولتی نظارت و سرکشی داشته باشد.

- مأمورین دولت در منطقه قطعاً باید از اهل محل (بومی) باشند.

- تمام عایدات و درآمد منطقه لازم است در منطقه هزینه شود.

- حزب دمکرات کردستان مخصوصاً سعی خواهد کرد بین ملت آذربایجان و اقوامی که در

آذربایجان زندگی می‌کنند وحدت و برادری کامل برقرار گردد.

- حزب دمکرات کردستان به واسطه استفاده از منابع طبیعی سرشار کردستان و ترقی امور

کشاورزی و بازرگانی و توسعه امور فرهنگی و بهداشتی در جهت رفاه حال اقتصادی و معنوی ملت

کرد فعالیت خواهد کرد.

- ما می‌خواهیم همه ملت‌های ایران فرصت و اجازه فعالیت آزاد داشته باشند تا سعادت و پیشرفت

جامعه خودشان را تحقق بخشند.

با این تمهیدات در ژانویه ۱۹۴۶ - بهمن‌ماه ۱۳۲۴ دولت خودمختار کردستان توسط قاضی محمد

در میدان «چوارچرا»ی مهاباد طی مراسمی اعلام گردید. بدین ترتیب جنبشی که در آغاز جنگ جهانی

دوم به وجود آمده بود، به عنوان بخشی از یک روند تاریخی به نتیجه رسید.

روند تحولات منطقه و توافق دولت شوروی بعد از جنگ با دولت ایران مبنی بر خروج نیروهای

این کشور و دست کشیدن از حمایت دودولت خودمختار آذربایجان و کردستان در قبال پذیرش اعطای

امتیاز نفت شمال به شوروی توسط دولت ایران و مهمتر از آن اولتیماتوم آمریکا به شوروی مبنی بر

حمله نظامی به آن کشور در صورت خارج نشدن نیروهای شوروی از ایران، طومار عمر دو جمهوری

را در هم شکست و بعد از یازده ماه تأسیس، در همان محلی که قاضی محمد اعلام جمهوری کرده

بود، در دهم فروردین ۱۳۲۶ به دار آویخته شد. جنبش از نظر شکلی پایان یافته تلقی می‌شد. اما

اندیشه و احساسی که در پشت سر داشت چون آتش زیر خاکستر باقی بود تا در فرصت مناسب

دوباره خود را ظاهر سازد.

تفاوت بارز جنبش در این مقطع تاریخی با حرکات محلی گذشته در این است که خواسته‌های جنبش به سمت شفافیت و نهادینگی پیش می‌رود، در جمعیت (ژ.ک) تبلور عینی می‌یابد و بعد تحت تأثیر عامل خارجی به صورت یک حزب سیاسی برای تجمیع و طرح خواسته‌های جنبش ظاهر می‌شود و تداوم می‌یابد. نباید از نظر دور داشت که اهداف (ژ.ک) با آنچه حزب دمکرات تحت تأثیر نفوذ دولت وقت شوروی بیان می‌کند، متفاوت از یکدیگر بودند، اما پدیده‌ای که در واقع تداوم جنبش و خواسته‌های آن را میسر می‌سازد، وجود عنصر کردی و ناسیونالیسمی است که ژ.ک معرف آن بود و به حزب جدید منتقل شد.

بررسی جامعه شناختی سیاسی حزب دمکرات کردستان

از دیدگاه جامعه شناسی سیاسی، عمده‌ترین پارامترهایی که قابل بررسی هستند و در هر سازمان و حزبی وجود آنها لازم و ضروری است؛ ایدئولوژی یا اندیشه حاکم بر آنها، ساختار سازمانی و چهارچوبهای عمل سازمانی می‌باشد. از این نظر و در نگاهی گذرا موارد زیر در مورد حزب دمکرات کردستان ایران قابل تأمل است:

- اگر نقش ایدئولوژی را در ایجاد همگرایی گروهی مورد توجه قرار دهیم که بر اساس آن افراد می‌توانند همدیگر را بشناسند و روحیه و احساس استقرار به آنها می‌بخشد، می‌توان گفت سنگ بنای اولیه اندیشه و ایدئولوژی حزب دمکرات را همان آرمانهای جمعیت (ژ.ک)، تشکیل می‌داد. تفکر غالب و حاکم بر فضای فکری جمعیت، تأکید بر ناسیونالیسم کردی همراه با مذهب بود و در ابتدای تأسیس حزب نیز این اندیشه تداوم می‌یابد. بعد از شکست تجربه جمهوری و از ابتدای سال ۱۳۲۷ حزب دمکرات با کمیته کمونیستی کردستان حزب توده بود و اعضای حزب که به تهران رفته بودند. در آنجا به عنوان اعضای حزب توده شناخته می‌شدند. بنابراین می‌توان گفت تفکر رایج در آن،

آموزه‌های حزب توده بود. در این رابطه عبدالرحمن قاسملو معتقد است که سیاست رهبر حزب توده نسبت به کردستان دچار آشفتگی بود. هیئت اجرایی بیشتر اوقات توصیه می‌کردند که برای پیشرفت امور حزبی اعضای رهبری حزب دمکرات به رادیو فرقه دمکرات که از شوروی پخش می‌شد، گوش دهند. در حالیکه رادیوی فرقه اصولاً از تحولات منطقه اطلاع درستی نداشت. (چهل سال مبارزه، جلد ۲، ۱۳۶۷) با کودتای ۲۸ مرداد ۳۲، روند جدایی حزب از حزب توده آغاز می‌شود و در سال ۵-۱۳۳۴ حزب به طور کامل از حزب توده جدا شد و علیرغم یک چرخش به راست در کنگره دوم به رهبری عبدالله اسحاقی (احمد توفیق) مجدداً حزب در کنگره سوم (۱۳۵۲) با چرخش به چپ، بر فعالیت مسلحانه و همکاری با آرمانهای سیاسی ایرانی که علیه شاه مبارزه می‌کردند، تأکید می‌کند. برنامه حزب، ساختار سوسیالیستی (بنای سوسیالیسم) در کردستان بر اساس عدالت و با شعار استراتژیک خودمختاری برای کردستان در چهارچوب ایران دمکراتیک دارای نکات ضد فئودالی بوده و اصولی مساوات طلبانه را میان حقوق زن و مرد مطرح می‌کند و از جدایی دین و دولت سخن می‌راند.

- عبدالرحمن قاسملو، از رهبران با نفوذ حزب در رابطه میان سوسیالیسم و دمکراسی با حقوق مردم کرد، معتقد است که هر اندازه دمکراسی و سوسیالیسم در خاورمیانه پیش رود، ملت کرد بهره بیشتری از مبارزه خواهد برد. تأمین خودمختاری هم تنها از طریق برقراری سوسیالیسم امکان‌پذیر است (کردستان و کرد، ۱۳۵۲) اما بعد از انقلاب اسلامی در مصاحبه با دانشجویان پیشگام دانشگاه تبریز در یک جمع‌بندی کلی، امکان دستیابی به سوسیالیسم در ایران را غیر متحمل بیان می‌کند و معتقد است که: این که می‌گویند سیاست هنر ممکن است به نظر من بیخود نگفته‌اند. الآن خودمختاری را در چهارچوب جمهوری اسلامی می‌خواهیم، در حالی که در اساسنامه صحبت شده است که، هدف، ساختمان سوسیالیسم می‌باشد، چرا حالا شعار سوسیالیستی را مطرح نمی‌کنید، چون عملی نیست و شرایط آماده نشده است. (علی بهجت، انقلاب اسلامی، کردستان و... بی تا).

به نظر می‌رسد که علیرغم جدایی جناح توده‌ای حزب به رهبری غنی بلوریان در کنگره چهارم (۱۳۵۹) و جناح چپ و غیر توده‌ای (انقلابی) به رهبری جلیل گادانی در کنگره هشتم (۱۳۶۷) از جناح قاسملو که مدعی ناسیونالیسم کرد و چپ سوسیالیستی بود، همچنان اندیشه‌های او به عنوان برنامه رسمی حزب مورد تأکید قرار می‌گیرد. مخصوصاً تأکید او بر درخواست خودمختاری برای کردها و انجام مذاکره با دولت جمهوری اسلامی که مبنای مخالفت گروه انقلابی در کنگره هشتم با او بود. در این دوره حزب با داشتن هیئت نمایندگی در نشست انترناسیونال سوسیالیست در اتریش (۱۳۶۷) شرکت کرد و متعاقب آن در سال ۱۳۷۱ رسماً به عضویت انترناسیونال سوسیالیست در آلمان پذیرفته شد. اتخاذ خط مشی سوسیالیسم دمکراتیک از سوی حزب باعث شد تا از سوی اکثر احزاب و سازمانهای سوسیالیست دنیا، مورد استقبال قرار گیرد و از حمایت‌های آن بهره‌مند گردد.

بعد از ترور قاسملو (۱۳۷۰) و جانشینی صادق شرفکندی (دکتر سعید) بجای وی و تشکیل کنگره نهم موسوم به کنگره قاسملو، اندیشه‌های او در باب ایدئولوژی و عمل حزب مورد تأیید مجدد قرار می‌گیرد. بنابراین به نظر می‌رسد بعد از ترور قاسملو، حزب دمکرات مواضع خود را در مورد مذاکره و گفتگو و اینکه مسئله کردستان راه حل نظامی ندارد، تغییر نداده است.

در یک تعریف کلی از اندیشه حاکم بر حزب دمکرات می‌توان گفت که اندیشه‌ای است درحوزه چپ با گرایش معتدل و خط مشی ناسیونال سوسیالیست. این تفکر بر آن است که بیان سیاسی خاص مردم کرد است.

باید توجه داشت که احزاب سیاسی در کشورهای توسعه نیافته و در حال توسعه غالباً یک جنبش اجتماعی هستند تا حزب سیاسی. اینان پیش از آنکه متأثر از منابع قشر خاصی از جمعیت باشند، تحت تأثیر اقتدار فرد یا گروهی از نخبگان اداره کننده آن قرار دارند. به نظر می‌رسد که حزب دمکرات نیز خصلت جنبش بودن خود را بیشتر حفظ کرده است زیرا علیرغم وجود نهاد و سازمان،

رهبران آن بیشترین تأثیر را در خط مشی کلی حزب بر جای گذارده‌اند.

سلسله مراتب قدرت و ساختار سازمانی

از نظر ساختار سازمانی یک تقسیم‌بندی کلی از احزاب سیاسی وجود دارد که بر مبنای آن، احزاب در دو رده کلی احزاب خواص و احزاب عوام جای می‌گیرند. احزاب خواص معمولاً در پی گردآوری تعداد بیشتر اعضا نیستند، بلکه درصدد جمع‌آوری سرشناسها (خواص) می‌باشند. کیفیت کار برای آنها ارزش بیشتری دارد تا کمیت و تعداد افراد بیشتر (مورس دوروزه، جامعه‌شناسی سیاسی، ۱۳۶۷) در مقابل احزاب عوام قرار دارند که به وسیله نهضت‌های سوسیالیستی در قرن حاضر خلق شده‌اند. و به بسیج هرچه بیشتر افراد تأکید دارند. می‌توان گفت که حزب دمکرات کردستان در رده احزاب عوام سوسیالیستی قرار می‌گیرد، در حالیکه دارای مواضع شدید طبقاتی نیست (هرچند در اساسنامه خود اشاره دارد که حزب دمکرات کردستان عمدتاً به طبقات کارگر، دهقان و روشنفکر تعلق دارد - اساسنامه کنگره ۸) و در نظر دارد از همه گروه‌های اجتماعی عضوگیری نماید. بر اساس اساسنامه حزب از سانترالیسم دمکراتیک پیروی می‌کند. یعنی همه ارگانهای حزبی از پایین به بالا انتخاب می‌شوند. عضو تابع سازمان است و اقلیت اعضا نیز تابع اکثریت آنها می‌باشند و بر همه اعضا نظم و دیسیپلین برابر حاکم است. مصوبات ارگانهای مافوق می‌بایست از طرف ارگانهای پایین‌تر اجرا شود و تصمیم‌گیری در همه ارگانها و همه سطوح جمعی است و تکروری محکوم است. (اساسنامه کنگره ۸-۱۳۶۸)

لازم به تذکر است که علیرغم تصریح موارد گفته شده، آنگونه که میشلز در بررسی احزاب سوسیالیست معتقد است، مسئله انتخابات دمکراتیک در همه احزاب مخصوصاً احزاب سوسیالیست تحت تأثیر شخصیت رؤسا قرار گرفته و در واقع مقدرات حزبی را رؤسا خود کنترل و اداره می‌کنند. او می‌گوید در حقیقت اعمال همیشگی و منطقی اصول دمکراتیک، اقتضا دارد که ملاحظات شخصی و

وابستگی به سنت را کنار گذاشت و پستهای مهم حزب سوسیالیست به وسیله طرفداران گرایش‌هایی اشغال شوند که در کنگره حزب ارزشی برای خود کسب می‌کنند. به این ترتیب صاحب منصبان قدیمی باید جای خود را به نیروهای جوان بدهند. اما هیچ یک از اینها در احزاب سوسیالیستی صدق نمی‌کند. در آنها سنت با نیاز غریزی به ثبات در هم تلفیق می‌گردد تا رهبری عالی، بیشتر معرف گذشته باشد تا حال. آن رهبری باید حفظ شود به این دلیل که در گذشته شکل گرفته و به دلیل تنبلی زندگی جمعی و به برکت قانون بی‌حسی، رفقا به طور همیشگی وکالت خود را به همان رؤسای قبلی واگذار می‌کنند. به این ترتیب همین که رؤسای عالی این حزب خیلی دمکراتیک که از طریق آرای عمومی غیر مستقیم انتخاب می‌شوند، به محض اینکه یک بار قدرت را به دست آورند، آن را حفظ می‌کنند (رابرت میشلز - جامعه‌شناسی احزاب سیاسی - ۱۳۶۹) اگر هم کسانی در داخل حزب نظرمخالفی داشته باشند یا در اقلیت قرار می‌گیرند یا اینکه اگر اختلاف نظر شدید باشد، منجر به انشعاب و جدایی می‌گردد. پدیده‌ای که در مورد حزب دمکرات شاهد وقوع آن بوده‌ایم.

پایگاه اجتماعی

چنانکه مطرح گردید احزاب سوسیالیست متکی به گردآوری گروه‌های بسیاری از مردم می‌باشند بنابراین از نظر پایگاه اجتماعی، این گونه احزاب تمایل دارند تا از همه طبقات عضوگیری نمایند. حزب نه معرف وحدت اجتماعی است و نه معرف وحدت اقتصادی، بلکه اساس آن را برنامه حزب تشکیل می‌دهد. برنامه می‌تواند بیان نظری منافع یک طبقه خاص باشد. اما در عمل هر کس بدون توجه به اینکه منافع خصوصی‌اش با اصول اعلام شده در برنامه مطابقت دارد یا نه، می‌تواند وارد حزب گردد.

از نظر بسیج توده‌های مختلف مردم، برنامه‌ای که به هویت ملی متوسل می‌شود، احتمالاً

قدرتمندترین وسایل سمبلیک را برای بسیج هواداران دارا است. بنابراین برای بیشتر جنبش‌ها

ناسیونالیسم مطرح است و بیشترین انعطاف را در جلب طبقات مختلف جامعه دارد. حزب دمکرات نیز جهت گسترش سازمان و دامنه نفوذ خود، در عمل از ناسیونالیسم کردی برای جذب اقشار مردم بهره گرفته است. در این رابطه قاسملو معتقد است که بر اساس آمار موجود، بیشتر از نیمی از اعضای رهبری حزب یا کمیته مرکزی زمین دار بودند. زمین دار بزرگ هم در بین آنها بود و دیگر اعضای حزب از میان افراد حقوق‌بگیر و روشنفکر یا طبقه خرده بورژوازی شهری بودند (عبدالرحمن قاسملو، چهل سال مبارزه، ۱۳۶۷)

در مجموع می‌توان گفت که حزب دمکرات از پشتیبانی مردم شهر و روستائینی که تعلق عشیرتی نداشته‌اند، برخوردار بوده است. در برخی مناطق این حمایت و پشتیبانی پررنگ‌تر و در مناطق دیگر کم‌رنگ. در جاهایی هم که از حمایت بیشتری برخوردار بوده، به یک صنف خاصی محدود نمی‌شده و در آن بازاریان، کسبه جزء، افراد متمول، تحصیل کرده و بیسواد، شهری و روستایی وجود داشته است. یکی از مشکلات اساسی حزب (و هر حزب دیگری) در این زمینه، جذب وسیع اقشار مختلف است. زیرا مشکل است که بتواند افراد جذب شده با دیدگاه‌های مختلف و متضاد را از نظر فکری و مشی عملی هماهنگ سازد و به آنها آرمان حزب را به عنوان آرمان مردم کرد بقبولاند.

نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه مطرح شد، می‌توان گفت عامل اساسی ثبات و دوام حزب دمکرات در میان مردم کرد ایران، داشتن خصلت و عنصر کردی و ناسیونالیزم کردی است. علاوه بر این عوامل دیگری هم به استمرار و تداوم وجود آن کمک کرده‌اند:

- پذیرش ساختار و سازمان عمودی سلسله مراتب قدرت. این سیستم مانع پراکندگی و تجزیه در داخل حزب سیاسی می‌گردد. ساختار سوسیالیستی حزب دمکرات به آن امکان داده است تا علیرغم بحرانهای فقدان رهبری یا انشعابات داخلی، به زندگی خود ادامه دهد.

- عامل رهبری با توجه به ساختار نیمه سنتی جامعه کردی از معیارهای نفوذ و قدرت به شمار می‌رود. در این زمینه محور قاضی محمد - قاسملو برای حزب دمکرات نقش مؤثری در افزایش نفوذ آن داشته است.

- پایگاه اجتماعی و نفوذ در اقشار مختلف مردم نیز از جمله عوامل استمرار وجود حزب دمکرات به شمار می‌آید.

- پذیرفته شدن به عضویت انترناسیونالیست بین‌الملل در سال ۱۳۷۰ و برخورداری از کمکهای آنها نیز عامل تداوم بخشنده دیگر در این زمینه است.

مجموعه عوامل نامبرده، همواره این امکان را برای حزب مذکور فراهم آورده‌اند که در شرایطی که زمینه برای فعالیت علنی و آزاد سیاسی فراهم شود، می‌تواند بر مردم و محیط آن تأثیر گذارد و مورد حمایت قرار گیرد.

لازم به تذکر است که در ارتباط با موانع موجود در رابطه متقابل احزاب با دولت در ایران که در طرح مسئله به آن اشاره شد، حزب دمکرات از یک سو با توجه به اینکه تحت تأثیر اندیشه‌های صلح‌طلبانه قاسملو برای حل مسالمت‌آمیز مسایل از طریق گفتگو با دولت است، دارای وضعیت قابل

قبولی به نظر می‌رسد، اما از سوی دیگر به نظر می‌رسد در برخورد با سایر احزاب، از همان الگوی رایج میان احزاب سیاسی کشور پیروی شده است. یعنی در مناطقی که دارای قدرت و نفوذ بیشتری نسبت به سایرین بوده است، تلاش داشته تا قدرت کامل را در اختیار داشته باشد. به وجود آمدن جنگها و رقابتهای بین حزبی در اوایل پیروزی انقلاب، هنگامی که منطقه در اختیار احزاب سیاسی منطقه بود، نمونه آشکار این مشکل است. با توجه به فضایی که در ایران تحت تأثیر روند جهانی شدن در حال شکل‌گیری است، به نظر می‌رسد این رویه در آینده نمی‌تواند منشأ نفوذ برای هیچیک از احزاب سیاسی باشد و در این زمینه یک تحول عمیق فکری - عملی اجتناب‌ناپذیر است. که پذیرش اصل کثرتگرایی حزبی در عرصه سیاسی آن آغاز آن می‌باشد.